

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سایت گزارشگران
۰۳ دسمبر ۲۰۱۷

از مصاحبه های کارگری گزارشگران
جنبش کارگری در ایران: ضعف ها و قوت ها
مصاحبه با علی رسولی



زمانی که به تشکل سیاسی نه به عنوان وسیله بلکه به عنوان هدف بنگریم ، ناچار در چنبره فرقه گرائی گرفتار خواهیم شد. متأسفانه امروزه اکثر تشکلات سیاسی ایرانی که عمدتاً خارج کشوری هستند، فرقه گرائی را پیشه کرده‌اند و این، اثرات منفی خود را مستقیم یا غیرمستقیم بر جنبش کارگری درون کشور نیز می گذارند. زمانی که تشکل چند نفره خود را تافته جدابافته بدانیم و بکوشیم دیگران را نادیده بگیریم، با بزرگنمایی از طریق شخصیت و چهره سازی و هیاهو، خود را بزرگتر و والاتر از همگان بدانیم ، نشان داده‌ایم که در اندیشه رهیابی برای سازماندهی کارگران و سایر اقشار زحمتکش که بدون چنین سازمانی نه تنها انقلاب بلکه پیشرفتی مؤثر نیز تحقق نخواهد یافت، نیستیم.

دستگیری دوباره محمود صالحی فعال کارگری شناخته شده که سالیان دراز رنج و محرومیت و زندان و شکنجه را بر دوش کشید تا از حقوق محرومان و هم زنجیران خود دفاع کند، انگیزه این مصاحبه هاست. روشنی افکندن بر نقاط کور و ضعف های جنبش میلیونی کارگران ایران برای دستیابی به ابتدائی ترین حقوق انسانی خویش دلیل این تلاش اندک و نظرخواهی از فعالان کارگری و سیاسی از سوی گزارشگران است.

موج اعتراضات کارگری به بی عدالتی های موجود سالهاست به شکل فزاینده در جریان است. گاه همانند آتشفشان در مکانهای تولیدی و خدماتی غلیان می کند و فضای خبری و رسانه ئی را به خود تعلق می دهد. زنجیر فقر و ستم نظام سرمایه داری برپایشان و بار گران تورم و هزینه های زندگی روزمره را بر گرده خویش می کشند. ظلم و تعدی و بی حرمتی به آنان از سوی مسئولین حاکم بدون مرز ادامه و جریان دارد. در این میان اما فعالان و نمایندگان کارگران

بیش از همه در تیررس نابکاران و دشمنان کارگران و زحمتکشان قرار دارند. کارگران معترض به این بی عدالتی ها را می کشند. شلاق می زنند به زندان می افکنند. شکنجه می کنند. اسیران زندانی را می کشند. محکوم به مرگ خاموش می کنند. آنان را بیکار و از حق زندگی شرافتمندانه محروم می کنند. صدای اعتراض و شکایات آنها در فضای خبری سرمایه زده داخل کشور بندرت به گوش کسی می رسد. همبستگی بین المللی کارگران خارج از کشور با کارگران ایران اگر چه قدرتمند است اما با بی اعتنائی مطلق دست اندرکاران حکومتی مواجه است. برآستی برون رفت از این وضعیت چگونه می تواند باشد؟ هم از اینرو با فعالان کارگری و سیاسی مصاحبه می کنیم.

علی رسولی فعال کارگری و عضو نهادهای همبستگی با جنبش کارگری - خارج کشور است با او مصاحبه می کنیم.

گزارشگران : طی سالهای اخیر شاهد افزایش تصاعدی اعتراضات کارگری هستیم. شمارش آنها دیگر ممکن نیست. هرروزه بخشی از این وقایع در محیط های تولیدی و خدماتی انعکاس خبری می یابند و اینها تنها قسمتی از این اخبار هستند. ارزیابی شما از موقعیت جنبش کارگری در کشورمان چیست ؟

علی رسولی: درابتداء سپاس از دعوت به این مصاحبه .

درفاصله دعوت به مصاحبه وارسال پاسخها ، خبر آزادی فعال کارگری رفیق محمود صالحی همه دوستداران جنبش کارگری را شادمان کرد . همبستگی گسترده درایران وخارج ازکشور با فعالان کارگری وپشتیبانی کم نظیر جهانی از این رزمندگان طبقاتی عامل عمده دربه عقب راندن رژیم ضدکارگری اسلامی و آزادی محموداز زندان بود. آزادی محمود را به شما و تمامی یاوران جنبش کارگری شادباش می گویم و امید بر این که با تداوم وگسترش این همبستگی وپشتیبانی جهانی رژیم اسلامی رامجبور به آزادی تمامی فعالان کارگری وزندانین سیاسی بکنیم.

اعتراضات کارگری درایران همانگونه که شما اشاره کردید آنچنان گسترش داشته است که شمارش آنها امکان پذیر نیست .تنها علت عدم امکان شمارش را نباید درفزونی اعتراضات دانست. این فزونی جنبه مثبت دستاورد ارزنده جنبش کارگری است و نشان می دهد که کارگران ازاستثمار وستم حکومتی وسرمایه داران کاملاً به ستوه آمده اند و بدون بیم وهراس ازتهدیدات وتضعیقات رژیم ضدکارگری اسلامی برخواستهای اقتصادی و صنفی خود پای می فشارند. کارگران با اعتراض شفاهی، اعتصاب، تجمع درمحل های کاری و جلوی ادارات مربوطه واماکن عمومی ، راه پیمائی وتظاهرات ، نامه نگاری وطومارنویسی و... نارضایتی وخواست های بحق خود را اعلام می دارند وعلنی می کنند وچه بی شمارند آنچه که به صورت خبر عمومی انتشار می یابند. لیکن بسیاری ازاعتراضات یا انتشاربیرونی نمی یابند ویا دیرنگام به گوشها می رسند . علت درچیست؟ دوعامل مهم نقش دارند. یکم می باید به عدم ارتباطات لازم ومدام فعالان کارگری با توده های میلیونی کارگران ومابین فعالان کارگری ودوم کنترل شدید حکومتی اشاره داشت . کنترل حکومتی همواره یکی از ابزار سیادت طبقات استثمارگرحاکم ودولت حامی آنان بوده و هست و انتظار قطع یا کاهش آن بدون مبارزه پیگیرعلیه آن انتظاری بیهوده است .حتی در به اصطلاح دموکرات ترین کشورهای سرمایه داری غربی نیز به نوعی کنترل حکومتی به صورت قانونی وحقی غیرقانونی رایج است. برای مبارزه علیه کنترل حکومتی می باید روی به توده های میلیونی کارگران آورد واگاهی سیاسی کارگران را فزونی داد و آنان را متقاعد ساخت که بدون مبارزه سیاسی متشکل علیه سیستم سرمایه داری وبراندازی رژیم سرمایه داری حاکم ، نه تنها کنترل وفشار سیاسی برکارگران ازبین نخواهد رفت بلکه حتی دستاوردهای مبارزه صنفی واقتصادی نیز همواره در معرض خطرقراردارند.

حتی اگر به آن تعداد اعتراضات کارگری که به علت عدم ارتباط و کنترل حکومتی انتشار عمومی نمی یابند ، دسترسی یابیم و آنها را بر تعداد انتشار یافته بیفزائیم نهایتاً به این نتیجه خواهیم رسید که اعتراضات کارگری در ایران می تواند در تاریخ بی سابقه باشد . بسیار خوب و نشان از پیگیری و استقامت کم نظیر کارگران ایران برای بهبود اوضاع اقتصادی آنان دارد . در برابر این همه فداکاری و پایداری باید سر تعظیم فرود آورد ولی همزمان یادآور شد که تنها از طریق مبارزه صنفی و اقتصادی ، آزادی ، بهبود زندگی و رفاه حاصل خواهد شد و استثمار و ستم بر کارگران همچنان بر جای خواهد ماند. جنبش کارگری ما در حال حاضر در چنین سطحی است . هم تدافعی است و هم اقتصادی . زمانی که می گوئیم تدافعی است برخی چهره عیوس می کنند و سرزنش که مگر این همه افزایش اعتراضات را نمی بینیم. افزایش مبارزات به معنای تعرض نمی تواند تلقی شود، بلکه ماهیت اعتراض و خواسته های آن نشان دهنده دفاعی یا تعرضی هستند. اکثر اعتراضات کنونی درباره دستمزدهای عقب افتاده و سپس علیه قراردادهای سفید امضاء و کوتاه مدت می باشند. این بدان معنا است که سرمایه دار و دولت حامی آن از طریق قانون تحمیلی یا غیرقانونی به حقوق و دستمزدهای کارگران تعرض می کنند و کارگران خواهان بازپس گرفتن آنچه مورد تعرض قرار گرفته است بوده اند. زمانی که به تدافعی بودن اعتراضات کنونی اشاره داریم به هیچ وجه به معنای بی ارزش یا کم ارزش دانستن آنها و یا منفی بافی و منفی نگری نیست بلکه بامهم و پر ارزش دانستن این مبارزات ضروری می دانیم یاد آور شویم که این مبارزات کافی و چاره ساز رهایی کارگران نیستند و برای رهایی می باید مبارزه های دیگر را نیز مصرانه و مداوم در دستور کار قرار داد.

گفته شد اعتراضات کنونی در محدوده اقتصادی هستند . چنین بررسی نیز به معنای کم ارزش دانستن آنها نیست . این مبارزات ارزشمند هستند و می باید باز هم در گسترش آنها کوشید ولیکن کافی نیستند و رهگشای رهایی کارگران از استثمار و ستم طبقاتی نمی باشند . گیریم فلان مبارزه اقتصادی در فلان کارخانه برای دستمزدهای عقب افتاده و یا حتی برای افزایش دستمزد با موفقیت پایان گیرد . این به نوبه خود یک پیروزی کارگری است، اما یک پیروزی که همواره از طریق سرمایه دار و دولت حامی آن در خطر بازپس گرفتن قرار دارد. اینان ترندهای گوناگون قانونی و غیرقانونی دارند تا کارگران را مدام در فشار اقتصادی قرار دهند و ذهن و مبارزه کارگری را در همان حوزه اقتصادی محدود سازند. مبارزه اقتصادی کارگر علیه سرمایه دار در کلیه جوامع سرمایه داری مبارزه های دائم العمری است و تازمانی که سیستم سرمایه داری حاکم باشد، با فزونی و کاهش ادامه خواهد داشت . برای آزادی کامل و رفع استثمار سرمایه دار می باید مبارزه را در چارچوب و حوزه ای دگر و با خواسته های به مراتب فراتر سازمان داد حوزه مبارزات اقتصادی در محدوده مناسبات بین سرمایه دار فلان کارخانه و نهایتاً فلان رشته کاری با سرمایه داران مربوطه خلاصه می شود و حتی زمانی که دولت به یاری سرمایه داری شتابد و فشار بر کارگران را به نفع سرمایه دار فزونی می دهد ، باز هم مبارزه هر چند می تواند نمای سیاسی به خود گیرد ولیکن در همان مناسبات باقی می ماند و به سطح سیاسی برای رسیدن به آزادی طبقاتی ارتقاء نمی یابد، زیرا تمامی سیستم موجود را به زیر سؤال نمی برد و در پی پاسخدهی به تمامی معضلات اقتصادی - سیاسی - فرهنگی و اجتماعی جامعه و رهیابی برای حل آنها نمی رود. به همین علت مبارزه اقتصادی در چنین حوزه ای محدود و تنگ، خلاف نظریات اکونومیستی و سوسیال دموکراسی به سطح سیاسی برای رفع ستم و استثمار طبقاتی ارتقاء نخواهد یافت . چاره چیست؟

جز از طریق ارتقاء سطح سیاسی کارگران و یاری رسانی به ایجاد تشکلات راستین آنان در دوزمینة صنفی و سیاسی راهی دگر وجود ندارد و مبارزات جهانی کارگران نیز در هر آنجائی که به پیروزی رسیده است - حتی موقتی بوده باشد - این راه را طی کرده است. عمده بار این راه بردوش فعالان انقلابی کارگری درون کشور و کارگران روشنفکر (روشن اندیش - روشنگر) سنگینی می کند و این مهم تنها از طریق شرکت در مبارزات روزمره کارگران و ارتباط تنگاتنگ با

آنان ، هر چند که بامشکلات و کنترل دولتی همراه است، می تواند موفقیت آمیز گردد. زمانی که اشاره می شود چارچوب مبارزات اقتصادی تنگ است و می باید کارگران روشنفکر خارج از محدوده اقتصادی سطح آگاهی کارگران را به سطح سوسیالیستی ارتقاء دهند، بدفهمی می شود که گویا باید مبارزه اقتصادی را به فراموشی سپرد و یا این که آن وظیفه برعهده قشر روشنفکر جامعه است. این دو تصور، بدفهمی از لزوم چگونگی ارتقاء سطح سیاسی آگاهی کارگران به سطح سوسیالیستی است. مبارزه اقتصادی در مناسبات بین کار و سرمایه و کارگر و سرمایه دار نهفته است و هیچ احتیاجی به آن نیست که حتی کارگر ساده را به لزوم چنین مبارزه ای آگاه کرد. چون فشار اقتصادی حتی کارگر ساده را و می دارد که زبان به اعتراض و طرح خواسته های اولیه بگشاید، اعتراضی که نهایتاً فراتر از محدوده تنگ اقتصادی نمی رود و چاره گشای معضلات زندگی کارگری نیست. منظور خلاف آن بدفهمی ها بر این نیست که قشر روشنفکر جامعه آموزگار کارگران می باشد بلکه بر اینست که می بایست در ضمن تداوم و گسترش مبارزات اقتصادی از چارچوب این نوع مبارزه فراتر رفت ، مبارزه برای دگرگونی جامعه را نیز به صورت جدی و بابرنامه در دستور کار قرار داد و در جهت ایجاد تشکلات سراسری صنفی کارگری و به ویژه تشکل سیاسی طبقاتی کارگری مجدانه گام برداشت.

فعالان کارگری در خارج از کشور نیز می توانند در این زمینه ایفای نقش داشته باشند. این فعالان هر چند عملاً در مبارزات کارگری درون کشور حضور جسمی ندارند ولی می توانند از طریق انتقال تجارب واقعی مبارزات پیروزمند کارگری سایر کشورها ، دفاع از مبارزات کارگری درون کشور، جلب حمایت تشکلات کارگری و سازمانهای سیاسی انقلابی کشور محل سکونت ، توضیح مداوم - هر چند مکرر باشد - تئوری انقلاب کارگری ، تلاش در جهت نزدیکی و همکاری مشترک فعالان کارگری در خارج از کشور، کوشش در جهت خدمت به ایجاد ستاد راستین سیاسی طبقه کارگر - نه با عنوان فرمالیستی فریبنده و با تشدید فرقه گرایی - و... یاری رسان جنبش کارگری درون کشور باشند.

گزارشگران : از حکومت عدل علی گفته می شد و این که رهبران جمهوری اسلامی می خواستند دست پینه بسته کارگران را ببوسند و در گذر تاریخچه این حکومت دیدیم که چه بر سر کارگران و زحمتکشانشان رفت. هر جا اعتراضی هست، نیروهای ضد شورش بسرعت در برابر شریف ترین انسانهای کشورمان صف می بندند و در اندیشه سرکوب و حشيانه آنها هستند و از هیچ جنایتی ابا ندارند. ریشه اینهمه خصومت و خشونت چیست؟

علی رسولی: اینهمه خصومت و خشونت ، محکوم و ضد انسانی است ، اما نباید تعجب کرد که چرا بر کارگران و سایر زحمتکشانشان ایران روا می شود. سرمایه داری یعنی خشونت و خصومت با کارگران. این در ماهیت سرمایه داری نهفته است . سرمایه دار برای حصول سود بیشتر از هیچ جنایتی فروگذار نمی کند و اولین قربانیان این جنایت، کارگران هستند. نباید خصومت و خشونت را تنها به دستگیری و زندان و شلاق محدود دانست . کارگری که به خاطر سودبری بیشتر سرمایه دار، اخراج و مجبور به بیکاری و چه بسا محکوم به زندگی فقیرانه می شود ، مورد خصومت و خشونت قرار گرفته است. حتی در کشورهای سرمایه داری غرب نیز چنین خصومت و خشونت از جانب سرمایه داران رایج است . در کشور به اصطلاح دموکرات آلمان که شهروندان کشور حق دارند در انتخابات آزاد هر چهار سال یکبار نمایندگان مجلس و از این طریق دولت مرکزی را انتخابات کنند (همان دولتی که پس از انتخابات اکثر قولهای تبلیغی انتخاباتی را فراموش می کند و نهایت تلاش خود را به کار می برد تا سرمایه داران ثروتمند تر شوند) اخیراً شرکت فولاد تیسن - کروپ که در سال گذشته بیش از چهار میلیارد یورو سود داشته است در برنامه دارد که با فولاد سازی تاتا در هندوستان که سودی با لغ بردونیم میلیارد یورو دارد به شراکت و در هم آمیزی در آید. این در هم آمیزی ، بیکاری حدود هشت هزار کارگر را در پی خواهد داشت . دوشرکتی که بیش از شش و نیم میلیون یورو سود دارند، در برنامه دارند برای افزایش سودبری

دربازار جهانی حدود هشت هزار کارگرا اخراج کنند. آیا بیکارسازی هشت هزار کارگر به منظور افزایش سود و ثروت سرمایه داران ، خشونت و خصومت نسبت به کارگران نیست؟ سرمایه دار به کارگرمی گوید من آزادم به خاطر سود و ثروت اندوزی بیشتر ترا اخراج و محکوم به بیکاری و فقر بکنم و تو هم آزادی که در چهار سال بعدی که من با حمایت دولتی ثروتمندتر شده ام، دولتی دیگر را انتخاب کنی . و بعد هم روال کار همچنان ادامه خواهد داشت تا چهار سالهای دیگر و دیگر. این مثال را آوردم تا روشن شود که در تمامی جوامع سرمایه داری، کارگران با معضلات و مشکلات مشابهی ناشی از موجودیت سیستم سرمایه داری درگیر اند و با خشونت و خصومت سرمایه داری مواجه اند. تنها مزیتی که در کشورهای سرمایه داری غرب وجود دارد به شکرانه سابقه مبارزات کارگری و دستاوردهای آن در این کشورها و موجودیت تشکلات صنفی کارگری و برخی تشکلات سیاسی مترقی ، دولت فعلاً بنا بر درخواست سرمایه دار ضروری نمی داند که به صف فشرده هشت هزار کارگر معترض تیسن - کروپ حمله پولیسی کرده و تعدادی را زخمی ، دستگیر و زندانی کند. در همین کشورها نیز هرگاه سرمایه دار و دولت حامی آن ضرورت به ضرب و شتم جسمی را لازم بدانند، از چنان اقدامی ابا نخواهند کرد. در همین آلمان، چندی پیش به هنگام برگزاری اجلاس کشورهای سرمایه داری ، بنا بر صلاحدید و دستور حکومتی پولیس و حشیانه به صفوف معترضان و تظاهر کنندگان حمله برد و دهها تن را زخمی و تعداد زیادی را دستگیر کرد. اگر آن توحش پولیسی ، خصومت و خشونت نام ندارد، پس چه نامی می باید بر آن نهاد؟ خصومت و خشونت در سیستم سرمایه داری نهادینه شده است و تازمانی که چنین سیستمی پابرجاست، در هر کجا که باشد خصومت و خشونت با شدت و ضعف ادامه خواهد داشت .

بازگردیم به ایران . سرمایه دار و دولت حامی آن در ایران از هیچ جنایتی نسبت به کارگران و زحمتکشانشان جامعه و معترضان سایر اقشار مردمی فروگذار نمی کنند . رژیم سرمایه داری اسلامی با دیکتاتوری سابقه دار در کشور و قوانین، سنن عقب گرای اسلامی آغشته شده است و می توان گفت که در پی این آکندگی، توحش رژیم سرمایه داری حاکم بر ایران فزونی چند برابر یافته است. جمهوری اسلامی از حکومت عدل علی سخن گفته و قول به برقراری آن داده بود. در این باره باید منصف باشیم و اذعان کنیم که رژیم اسلامی به این قول خود وفا کرده است . عدل علی چه بود ؟ عدل علی عبارت بود از کشتن مخالفان خود به طوری که در یک روز حدود ۴۰۰۰ نفر از خوارج را گردن زد . عدل علی عبارت بود از جنگ و غارت . عدل علی عبارت بود از ویران کردن سایر کشورهای به قول خودش مرتد و برده و کینیز کردن هزاران مرد وزن و بچه کشورهای مغلوب و فروش آنان در میادین برده فروشی و پرکردن حرمسراهای خودی ها، از جمله حسن و حسین و اعوان و انصارشان از زنان کشورهای مغلوب. اسلام به سبک علی یعنی همان حکومت عدل علی در هر زمان که حاکمیت یافت جز غل و زنجیر و زندان و کشتار نصیب اهالی نشد. در دوران حاکمیت سربداران در سبزووار و اطراف، در حالی که هر روزه احمقانه یک اسب سفید را به صحراهای اطراف گسیل می داشتند تا امام دوازدهم شان به هنگام ظهور با پای پیاده به سبزووار وارد نشود، هر مخالفی و یا بقول خود خطاکار را با سر به چاه می انداختند. در زمان صفویه به نام حکومت عدل علی هزاران نفر سنی مذهب را در تبریز و سایر شهرها و دهات اطراف یا گردن زدند یا حلق آویز کردند. در دوران حاکمیت قجر به نام اسلام و یا تبعیت از عدل علی، بابیان را کشتار کردند. پس بپذیریم وقتی که مرتجعین حاکم در ایران مدعی برقراری عدل علی هستند بر این ادعای آنان خرده نگیریم بلکه بگوئیم عدل علی چگونه بود و این جماعت همان ره و شیوه را در ایران در پیش گرفته اند. عدل علی یعنی سرکوب و کشتار دگراندیشان، تاراج، شکنجه و سیاه چال، سنگسار، خفکان و سلب ابتدائی ترین آزادیها و... جمهوری اسلامی وارث واقعی عدل علی می باشد. مسلم است که چنین راه و شیوه نه تنها خصومت و خشونت با کارگران است بلکه توحش به معنای واقعی آن می باشد . از سرمایه داری آغشته به اسلام انتظاری جز آنچه شاهدش هستیم ، نباید داشته

باشیم . خوشبختانه هرروزه تعداد بیشتری به ماهیت ضدانسانی سرمایه داری آکنده از قوانین اسلامی پی برده‌اند و اسلام گریزی در ایران بیش از هرکشور دیگر اسلامی است. این کافی نیست. باید چنین سیستمی را بادت کارگران و تحت رهبری طبقه کارگر به زباله دان تاریخ فرستاد.

گزارشگران : فعالان کارگری همیشه خود و خانواده هایشان در خطر دستگیری و زندان و شکنجه، تهدید و آزار بوده اند. دفاع از حقوق هم قطاران تحت ستم در جمهوری اسلامی یعنی هزینه سنگین دادن و در این شرایط برخی از آنها همانند شاهرخ زمانی و کورش بخشنده و محمد جراحی به اشکال متفاوت به قتل رسیدند. امروزه نیز رضاشهابی و محمود صالحی در خطر جدی هستند. علت زوم تمرکز نمودن مسؤولان جمهوری بر آنها چیست؟

علی رسولی: جمهوری اسلامی از هر اعتراض و حرکت مردمی در وحشت است زیرا نارضایتی عمومی را به چشم می بیند. جمهوری اسلامی بخوبی می داند و تجربه کرده است که هر حرکت اعتراضی حتی جرقه واری می تواند به شعله و حتی به آتشفشان تبدیل شود و نه تنها سردمداران کنونی بلکه مجموعه سیستم سرمایه داری اسلامی را به زباله دان تاریخ بفرستد. جمهوری اسلامی بیشترین وحشت را از کارگران دارد زیرا کارگران اکثریت جامعه هستند، چرخ اقتصاد کشور را می چرخانند ، بیش از هر قشر اجتماع در زیر فشار، ستم و استثمار قرار دارند و لذا آماده تر از هر قشری برای پذیرش افکار و برنامه های انقلابی می باشند، منضبط و تشکل پذیر هستند، پایدارترین و مصممانه ترین مبارز اجتماعی می باشند و بیشترین منافع را در سرنگونی سیستم سرمایه داری اسلامی دارند. از اینرو جمهوری اسلامی دریافته است که کارگران سرسخت ترین مخالف می باشند، پس می باید از دیدگاه آن رژیم تحت بیشترین پیگرد قرار گیرند.

فعالان کارگری درون کشور زیر فشار و تعدی فزاینده ای می باشند. آنها بیش از هر کارگر دیگری تحت خطر پیگرد، زندان، شکنجه و حتی قتل سیاسی قرار دارند و این از آنروست که این مبارزان کارگری وظیفه آگاهی و تشکل دهی کارگران را بر عهده گرفته اند. رژیم اسلامی دریافته است که می باید با توسل به انواع فشار و ترسند جلوی رشد آگاهی و تشکل کارگران باشد تا از بزرگترین خطری که حیاتش را تهدید می کند گریز داشته باشد، لذا فشار مضاعف بر فعالان کارگری را چاره سازی داند. اما رژیم اسلامی سرمایه به عیب می پندارد که با فشار مضاعف بر فعالان کارگری همچون رضاشهابی و محمود صالحی و دیگر فعالان کارگری و خانواده های این مبارزان، قتل سیاسی شاهرخ زمانی، کورش بخشنده و محمد جراحی خواهد توانست سکوت گورستان را بر جنبش کارگری مسلط سازد. شاهرخ، کورش و محمد نشان داده‌اند که تعهد به عهدی را که با کارگران ستمدیده کشورمان بسته بودند همچنان گرامی داشتند و زندان و شکنجه، مرگ و فشار بر خانواده را به جان خریدند ولی عهدشکنی با طبقه خود را پذیرا نشدند و این پایداری رزمندگان کارگری خشم و وحشت سردمداران حکومتی را افزایش می دهد زیرا ترس دارد که رضاهای و محمود ها، شاهرخ ها، کوروش ها و محمد های بیشتری با پیروی از راه مبارزاتی و ایستادگی این فعالان کارگری، به صف اول مبارزه کارگری برای آگاهی و سازماندهی کارگران بپیوندند. در یک کلام : رژیم اسلامی از تشکل و سازمان یابی انقلابی کارگران در وحشت است و در نتیجه به طرق متفاوت تلاش دارد جلوی آن باشد. از اینرو فعالان کارگری داخل کشور یعنی کارگران روشنفکر (روشنگر) را که مجدانه در پی تشکلدهی کارگران می باشند ، به شدت تحت فشار و پیگرد قرار می دهد.

گزارشگران : تاریخچه جنبش کارگری پیوسته بامقوله ای به نام فرقه گرائی روبه روبرو است. از سوی رهبران فکری سوسیالیسم هم مذمت و سرزنش شده و مقابله با آن ضروری ارزیابی شده است. ارجحیت دادن منافع و تمایلات

گروهی، سازمانی و حزبی بر منافع کل طبقه کارگر، نمودی از این انحراف بوده است. آیا امروزه و در ارتباط با جنبش کارگری در کشورمان حضور آن را محسوس می‌دانید؟

علی رسولی: متأسفانه باید به این ضعف جنبش کارگری اذعان کرد. همانگونه که از دستاوردهای جنبش نام می‌بریم و از آنها می‌آموزیم، می‌باید به ضعفها و اشکالات نیز اشاره کرد. سرپوشی بر ضعفها ره گشای زدودن نارسائیهایی نیست. بیان ضعفها و کمبودها به معنای منفی بافی نیست. هر آنکس که چنین پنداری داشته باشد، آگاهانه یا نا آگاهانه در پی بهبود نخواهد رفت. تنها زمانی که از اشاره به این یا آن کمبود ابا نورییم قادر خواهیم شد ریشه‌ها و علل آن را دریابیم و برای رفع آن همت کنیم. زمانی که به شکل سیاسی نه به عنوان وسیله بلکه به عنوان هدف بنگریم، ناچار در جنبه فرقه‌گرایی گرفتار خواهیم شد. متأسفانه امروزه اکثر تشکلات سیاسی ایرانی که عمدتاً خارج کشوری هستند، فرقه‌گرایی را پیشه کرده‌اند و این، اثرات منفی خود را مستقیم یا غیرمستقیم بر جنبش کارگری درون کشور نیز می‌گذارند. زمانی که تشکل چند نفره خود را تافته جدابافته بدانیم و بکوشیم دیگران را نادیده بگیریم، با بزرگنمایی از طریق شخصیت و چهره سازی و هیاهو، خود را بزرگتر و بالاتر از همگان بدانیم، نشان داده‌ایم که در اندیشه رهایی برای سازماندهی کارگران و سایر اقشار زحمتکش که بدون چنین سازمانی نه تنها انقلاب بلکه پیشرفتی مؤثر نیز تحقق نخواهد یافت، نیستیم. هرگاه تلاش بر این باشد که تشکل خود را مرکز عالم بدانیم و حتی بدون احساس مسؤلیت و تنها برای بزرگنمایی کاذب و آرامش خاطر اندک هواداران خودی، بنادرستی مدعی عضویت - چه علنی باشد و چه درون تشکیلاتی - این یا آن فعال کارگری درون کشور به "حزب"، سازمان یا گروه خود باشیم و حتی بدتر بکوشیم این یا آن جانفشان کارگری را با دروغ و نیرنگ عضوی از تشکل سیاسی خود بنمایانیم، به گروه‌گرایی دامن زده ایم و به خاطر منافع تنگ گروهی، هدف را آگاهانه به فراموشی سپرده ایم. و بدتر این که یاران و نزدیکان رفیق جانباخته ای را که کرکس و اربه تشکل خود نسبت می‌دهیم، نا آگاهانه به خطر می‌اندازیم.

برای زدودن گروه‌گرایی چه در داخل و چه در خارج از کشور کافی نیست که تنها نادرستی آن را بازگو کنیم بلکه ضروری است در ارائه رهنمایی که می‌تواند به زدودن یا حداقل تقلیل آن یاری رساند، کوشش کنیم و خود نیز در آن راه گام عملی برداریم. می‌باید با تکیه به موارد و مسائل مشترک و مورد قبول فکری و عملی، روشن سازی اختلافات اساسی، به گام برداری جدی برای حل آنها و ایجاد نزدیکی بیشتر از طریق مشورت رفیقانه و شرکت در عمل انقلابی در محیط کار و مکان زندگی پرداخت. ناگفته روشن است که منظور از این نزدیکی، همکاری و همراهی به معنا و منظور "همه با هم" نیست. فعالان راستین کارگری هیچ نکته مشترکی با آنانی که ماسک دروغین کارگردستی را برای فریب کارگران بر چهره دارند - چه اپوزیسیون دولتی و چه خارج از آن باشند - ندارند. تنها معیار جدی بودن در زدودن فرقه‌گرایی و ایجاد نزدیکی و همکاری، گام برداری جدی در سازماندهی و پیشبرد فعالیت و مبارزه عملی مشترک بر اساس اشتراکات است. در اینجاست که صداقت گفتار، محک عملی می‌خورد.

گزارشگران: از همبستگی همه جا سخنی هست. تقریباً تمامی نهادها و فعالان شناخته شده کارگری در داخل و خارج از کشور از آن و اهمیتش می‌گویند اما رد پای فرقه‌گرایی و مقاومت در برابر آن عریان و پنهان دیده می‌شود. همبستگی اما کمتر ملموس است. هنوز یک نمایش در دفاع از صفوف میلیونی کارگران ایران که انفجار رسانه‌ای در خارج از کشور در پی داشته باشد، دیده نشده است. علت را در چه می‌بینید؟

علی رسولی: متأسفانه موجودیت و حتی حاکمیت فرقه‌گرایی نمایان است ولی خوشبختانه چه در داخل و چه در خارج از کشور تا حدودی ترک برداشته است. همبستگی در دفاع از محمود صالحی و رضا شهابی چه در داخل و چه در خارج

از کشور ابعاد نسبتاً وسیع داشته است. دفاع از این رفقاء و سایر فعالان کارگری از سوی سندیکاهای گوناگون جهانی در این اواخر آنچنان بُعدی داشت که واقعاً تا کنون بی سابقه بوده و در آزادسازی محمود نقشی پراهمیت داشته است. فعالان کارگری در خارج از کشور این بار تلاش جانانه در جلب پشتیبانی جهانی از فعالان کارگری زندانی در ایران داشته‌اند و می‌باید آن را دستاورد دانست، از آن آموخت و پی گرفت. هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای اروپا، همچنین استرالیا و کانادا سازماندهی مشترک جهت برگزاری هفته مبارزه مشترک عملی در دهه اول دسمبر برای آزادی کارگران و سایر زندانیان سیاسی ایران، در دستور کار تعدادی از تشکلات و منفردین وفادار به جنبش کارگری قرار گرفته است. پای بندی به برگزاری مشترک چنین فعالیتهای عملی مشترک، امیدبخش است. باشد که در تداوم و گسترش آن کوشا و موفق باشیم.

گزارشگران: پیشنهاد شما برای گذر از موانع همبستگی صفوف حامیان کارگران کشورمان چیست؟

علی رسولی: در بالا اشاره داشتم که برای زدودن فرقه گرائی و ایجاد، یا تحکیم و گسترش همبستگی می‌باید در پی راه عملی باشیم. چاره‌ای جز این نیست که نکات مشترک را بیابیم و با تکیه بر نکات مشترک برای فعالیت عملی مشترک، در جهت حل اختلافاتی که مانع فعالیت مشترک هستند گام برداریم. برای حل اختلافات موجود باید به مشورت رفیقانه نشست که البته به تنهایی کافی و رهگشا نیست. مشورت برای حل اختلافات باید همراه با فعالیت مشترک عملی بر مبنای مشترکات فکری و عملی باشد وگرنه جدا از عمل مشترک، تنها یک گپ زنی روشنفکرانه باقی خواهد ماند که سعی می‌شود، دانسته‌های فردی را به رخ یکدیگر بکشیم و حتی احتمالاً بر اختلافات بیفزائیم. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری - خارج کشور، دست همکاری را به سوی تمامی دوستداران راستین طبقه کارگر برای فعالیت عملی و دفاع از جنبش کارگری دراز می‌کند.

باسپاس فراوان از زحمات رفقای گزارشگران

گزارشگران

۲۰۱۷/۱۱/۳۰